



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی فقه و اصول

عنوان:

بررسی فقهی مبانی و مصادیق قاعده جُبار از منظر فریقین

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدباقر گرایلی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی نوروزی

نگارش:

جواد دلاور

پاییز ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به

به عالم آل محمد، امام رئوف حضرت علي بن موسى الرضا

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِنَّا بِيضَاعَهُ مُزْجَاهُ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ
تَصَدَّقْ عَلَيْنَا

إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.^١

قدردانی و سپاس

قال رسول الله: «لا يَشْكُرُ اللهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ»^۱

بعد از حمد و سپاس از ایزد منان که قدرت اندیشیدن و تحصیل علم آموخت، فرصت را غنیمت شمرده و از استاد گرامی **جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدباقر گرایلی**، کمال تشکر و سپاس گزاری را دارم؛ چرا که بدون راهنمایی‌های ایشان، به پایان رساندن این پایان‌نامه مشکل بوده است و بنده را در تدوین این تحقیق بسیار کمک نموده‌اند، همچنین از استاد گرانقدر **جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر مرتضی نوروزی** که مشاور بنده بوده‌اند و همچنین از بذل عنایات **استاد حجت الاسلام و المسلمین محمدحسن ربانی بیرجندی** به دلیل راهنمایی‌ها و یاری‌های بی چشم داشت ایشان در طول مدت تدوین پایان‌نامه، به پای عاطفه‌ی سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که پشتیبان بنده بوده‌اند، کمال تشکر را دارم.

۱. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰.

چکیده

در فقه اسلامی قاعده جبار از قواعد مربوط به ضمان است که نفی ضمان می‌کند و قاعده جبار می‌گوید هرگونه تلف و جنایتی که به شیء استناد داده شود، نه به صاحب اختیارش هدر و بدون ضمان است و از دیدگاه فقهی این عدم ضمان صاحب اختیار شیء جبار نامیده می‌شود، ضرورت تحقیق قاعده جبار آن است که این مسأله یک مبحث کاربردی است و به نوعی در قواعد فقهی مربوط به ضمان مورد توجه و تشریح قرار داده شده است و از طرف دیگر به خاطر کثرت وقوع تطبیقات آن در امور خارجی، مورد نیاز جامعه است و آثار زیادی دارد.

حال سؤال اصلی این است که مصادیق و مبانی این قاعده در فقه فریقین کدام‌ها هستند؟

مصادیق این قاعده در کتب فقهی تمامی مذاهب اسلامی وجود دارد و تمامی مواردی را که فرد می‌بایست فعلاً بر شیء مسلط باشد؛ ولی مسلط نیست و یا مسلط است؛ ولی به دلیل عدم تعدی عرف جنایت و تلف را به خود شیء استناد می‌دهد را شامل است و این قاعده بر حکم به عدم ضمان صاحبان این اشیا دلالت دارد؛ مبانی این قاعده روایات زیادی هستند که در این باره از معصومین (علیهم السلام) صادر شده است و مهم‌ترین آنها حدیث نبوی جبار است، علاوه بر حدیث جبار که در بین فریقین مشهور است سایر روایاتی که بر عدم ضمان صاحبان اشیا دلالت دارند نیز از مبانی این قاعده هستند و این قاعده در خصوص حکم جنایت و تلف اشیائی بحث می‌کند که در تحت تسلط افراد قرار دارند و از حکم جنایت و اتلاف بردگان بحث نمی‌کند.

هدف از این تحقیق واکاوی و آشنایی با مبانی و مصادیق قاعده جبار در فقه فریقین است و چنین مطلوبی با جست و جو در میان منابع معتبر فقهی حاصل می‌شود.

کلید واژگان: جبار، جنایت، تلف، عجماء، حیوان، شیء، استناد، عدم ضمان.

فهرست مطالب

مقدمه.....	
الف. تبیین موضوع.....	
ب. ضرورت تحقیق.....	
ج. پیشینه تحقیق.....	
د. نوآوری تحقیق.....	
ر. سؤالات اصلی.....	
ز. سؤالات فرعی.....	
ن. فرضیه ها و روش تحقیق.....	
و. ساختار تحقیق.....	

بخش اول: مفهوم شناسی و کلیات

فصل اول: مفهوم شناسی و کلیات قاعده جنایة العجماء جبار.....	
مبحث اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی قاعده.....	
گفتار اول: مفهوم لغوی قاعده.....	
گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی قاعده.....	
مبحث دوم: مفاهیم قاعده جنایة العجماء جبار.....	
گفتار اول: جنایت در لغت و اصطلاح.....	
الف: جنایت در لغت.....	
ب: جنایت در اصطلاح.....	
گفتار دوم: عجماء در لغت.....	

- گفتار سوم: جبار در لغت و اصطلاح
- الف: جبار در لغت
- ب: جبار در اصطلاح فقهی
- مبحث دوم: کلیات قاعده جنایة العجماء جبار
- گفتار اول: مضمون قاعده جنایة العجماء جبار
- گفتار دوم: شروط قاعده جنایة العجماء جبار
- گفتار سوم: اصولی یا فقهی بودن قاعده جنایة العجماء جبار
- الف: تفاوت‌های مطرح شده
- ب: نقد برخی از تفاوت‌های مطرح شده
- گفتار چهارم: منصوص یا اصطیادی بودن قاعده جنایة العجماء جبار
- فصل دوم: مفهوم شناسی و کلیات قاعده جبار
- مبحث اول: مفهوم شناسی قاعده جبار
- گفتار اول: عرف
- گفتار دوم: شیء
- گفتار سوم: صاحب اختیار شیء
- گفتار چهارم: تعدی در لغت و اصطلاح
- الف: تعدی در لغت
- ب: تعدی در اصطلاح
- مبحث دوم: کلیات قاعده جبار
- گفتار اول: مضمون قاعده جبار
- گفتار دوم: اصولی یا فقهی بودن قاعده جبار

- الف: تفاوت ثبوتی بین قاعده فقهی و اصولی.....
- ب: تفاوت اثباتی بین قاعده فقهی و اصولی.....
- ج: نقد برخی از تفاوت‌های مطرح شده.....
- گفتار سوم: قاعده یا مسأله فقهی بودن حکم به جبار.....
- گفتار چهارم: منصوص یا اصطیادی بودن قاعده جبار.....
- گفتار پنجم: گستره قاعده جبار.....
- گفتار ششم: راه‌های اصطیاد قاعده جبار.....
- الف: الغاء خصوصیت.....
- ب: اجتهاد برای به دست آوردن علت.....
- گفتار هفتم: تأسیسی یا امضائی بودن حکم به جبار.....

بخش دوم

مبانی و مستندات

- فصل اول: مبانی روایی قاعده جبار.....
- مبحث اول: عدم ضمان صاحب اختیار شیء مطلقا.....
- گفتار اول: مطلق عدم ضمان صاحب اختیار شیء.....
- الف. نیاز نداشتن به تقدیر گرفتن مضاف.....
- ب: لزوم تقدیر گرفتن مضاف.....
- گفتار دوم: عدم ضمان دیه بر صاحب اختیار شیء.....
- مبحث دوم: اعتبار تعدی در حکم به ضمان.....
- فصل دوم: بررسی تعارض اخبار.....
- مبحث اول: تعارض اخبار و رفع آن.....

گفتار اول: تعارض با قید ارسال حیوان.....

گفتار دوم: تعارض با حکم به ضمان شخص مُسلَّط بر حیوان.....

گفتار سوم: تعارض با حکم به ضمان جنایت حیوان خطرناک.....

گفتار چهارم: تعارض با ضمان جنایت چهارپا بر چهارپایی دیگر.....

گفتار پنجم: تعارض با ضمان خسارات چهارپایان در شب.....

مبحث دوم: مرجحات حدیث جبار.....

گفتار اول: مرجحات صدوری.....

گفتار دوم: مرجحات دلالی.....

بخش سوم

مصادیق و تطبیقات

فصل اول: مُسلَّط نبودن صاحب اختیار شیء بر آن.....

مبحث اول: جنایت و تلف چهارپایان.....

گفتار اول: فقیهان ظاهری.....

الف. جنایت و تلف حیوان به تنهایی.....

ب. جنایت و تلف حیوان با وجود تسلط شخص بر آن.....

گفتار دوم: فقیهان امامی.....

گفتار سوم: فقیهان حنفی.....

گفتار چهارم: فقیهان مالکی و حنبلی.....

گفتار پنجم: فقیهان شافعی.....

مبحث دوم: خسارت چهارپایان بر زراعت دیگران.....

گفتار اول: ملاک بودن تفریط.....

- الف: مشکلات دلالی روایت.....
- ب: مشکلات سندی روایت.....
- گفتار دوم: تکیه بر تفصیل در نص.....
- گفتار سوم: حمل ضمان در شب بر مورد تفریط.....
- گفتار چهارم: حمل عدم ضمان در روز بر مورد عدم تفریط.....
- گفتار پنجم: حمل تفصیل روایت بر عادات مردم.....
- مبحث سوم: ضمان جنایت حیوان مهاجم.....
- گفتار اول: تفصیل بین جنایت داخل و مدخول.....
- گفتار دوم: مشروط بودن ضمان به تفریط صاحب حیوان.....
- گفتار سوم: هدر بودن جنایت حیوان بر حیوان دیگر.....
- فصل دوم: مسلط بودن صاحب اختیار شیء بر آن.....
- مبحث اول: جنایت حیوان بر انسان یا حیوان دیگر.....
- گفتار اول: فقیهان امامی.....
- الف. جنایت حیوان عادی بر انسان.....
- ب: جنایات حیوان گزنده بر انسان.....
- ج: جنایت حیوان بر حیوان دیگر.....
- گفتار سوم: فقیهان حنفی.....
- الف: جنایات حیوان عادی بر انسان.....
- ب. جنایات حیوان گزنده بر انسان.....
- گفتار چهارم: فقیهان مالکی.....
- الف. جنایت حیوان عادی بر انسان.....

-ب. جنایت حیوان گزنده بر انسان.....
-گفتار پنجم: فقیهان شافعی.....
-الف. جنایت حیوان عادی بر انسان.....
-ب. جنایت حیوان گزنده بر انسان.....
-گفتار ششم: فقیهان حنبلی.....
-الف. جنایت حیوان عادی بر انسان.....
-ب. جنایت حیوان گزنده بر انسان.....
-مبحث دوم: جنایت و تلف آتش و آب.....
-گفتار اول: فقیهان امامی.....
-گفتار دوم: فقیهان حنفی.....
-گفتار سوم: فقیهان مالکی.....
-گفتار چهارم: فقیهان شافعی.....
-گفتار پنجم: فقیهان حنبلی.....
-مبحث دوم: جنایات ابنیه.....
-گفتار اول: فقیهان امامی.....
-گفتار دوم: فقیهان حنفی.....
-گفتار سوم: فقیهان مالکی.....
-گفتار چهارم: فقیهان شافعی.....
-گفتار پنجم: فقیهان حنبلی.....
-مبحث سوم: جنایت سایر اشیا.....
-گفتار اول: فقیهان امامی.....

..... گفتار دوم: فقیهان حنفی.

..... گفتار سوم: فقیهان مالکی

..... گفتار چهارم: فقیهان شافعی

..... گفتار پنجم: فقیهان حنبلی

..... مبحث چهارم: تطبیق قاعده جبار بر اشیای جدید

..... گفتار اول: تطبیق قاعده جبار بر وسایل نقلیه جدید

..... گفتار دوم: تطبیق قاعده جبار بر سایر اشیای جدید

..... نتیجه گیری

..... کتابنامه

..... الف) منابع فارسی

..... ب) منابع عربی

مقدمه

الف. تبیین موضوع

قاعده جبار از قواعد مربوط به ضمان در فقه اسلامی است که نفی ضمان می‌کند و این قاعده می‌گوید جنایت و تلف اشیا در صورتی که به صاحبانشان استناد داده نشود، بدون ضمان و مسئولیت است و از نظر فقهی این نبود ضمان و مسئولیت جبار نامیده می‌شود؛ یعنی قاعده جبار بیان می‌کند اشیائی که در تحت تسلط افراد قرار دارند در صورتی که بدون دخالت صاحبشان، جنایت یا تلفی را موجب شوند، بر صاحبشان ضمانتی نیست؛ توضیح اینکه اگر شخصی بر شیئی مسلط است حال تسلط او چه به حق باشد؛ مانند این که مالک، ولی، وکیل، مستاجر، مستعیر، ودعی و مرتهن باشد یا تسلط به ناحق داشته باشد؛ مانند غاصب؛ ولی در ایجاد تلف و جنایت هیچ نقشی نداشته باشد، عرف می‌گوید: حیوان، خود موجب وارد آمدن خسارت و یا جنایت بر دیگری شده است و چاه، معدن، دیوار و هر بنای دیگر خود ریزش کرده است یا باد آتش را سرایت داده است و یا کوزه و هر وسیله‌ای را از مکانی که تصرف در آن مباح است بر سر رهگذران انداخته است و بر آنان آسیب وارد کرده است و یا آب طغیان کرده است و موجب خسارت بر ملک دیگری شده است؛ بنابراین در تمامی این موارد عرف جنایت و تلف را به خود شیء استناد می‌دهد و صاحب اختیار آن را در ایجاد جنایت و تلف دخیل نمی‌داند و شرع نیز به خاطر تبعیت از نظر عرف در تحقق این موضوع، بعد از تحقق عرفی موضوع حکم، به عدم ضمان صاحب اختیار شیء حکم می‌کند؛ همان گونه که روایت مشهور نبوی « الْعَجْمَاءُ جُرْحُهَا جُبَارٌ، وَالْبِئْرُ جُبَارٌ، وَالْمَعْدِنُ جُبَارٌ، وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ »^۳ بر این امر دلالت دارد

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲۳، ص ۳؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۹، ص ۹۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۳۷۷؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۲۵؛ سابق، الإستبصار، ج ۴، ص ۲۲۵.

مادامی که صاحب اختیار شیء بر آن تسلط ندارد یا در حفظ و استفاده از شیء تعدی نکرده است، هر چند که وی بر شیء ید و تسلط داشته باشد، جنایت و تلف خود شیء را ضامن نیست؛ چرا که عرف او را دخیل در ایجاد تلف و یا جنایت بر شیء نمی‌داند و در نتیجه شرع نیز به عدم مسئولیت وی حکم می‌کند؛ شارحان حدیث نیز همین برداشت را از روایت داشته‌اند؛ هر چند که بین فقیهان در حکم به هدر بودن جنایت و تلف اشیا در اکتفا کردن بر اشیا مذکور در حدیث یا الغاء خصوصیت در موارد حدیث و سرایت دادن حکم به تمامی اشیا غیر انسان که در تحت تسلط افراد هستند اختلاف است؛ ولی با این وجود اکثر آنان ملاک در عدم ضمان صاحب شیء را استناد جنایت یا تلف به خود شیء می‌دانند نه صاحب اختیارش و این قاعده حکم جاهلیت را در این باره نسخ می‌کند؛ چرا که آنان در جنایاتی که تنها به خود تابع استناد داده می‌شد نه متبوع، متبوع را نیز به صرف انتساب اتباع به وی و بدون داشتن هر گونه دخالتی در وقوع جنایت یا تلف، ضامن جنایت یا تلف واقع شده می‌دانستند؛ ولی اسلام با جعل حکم به جبار عمل به این حکم را از میان برداشت.

ب. ضرورت تحقیق

دلیل بر طرح قاعده جبار آن است که این مسأله یک مبحث کاربردی است و در قواعد فقهی مربوط به ضمان مورد توجه و تصریح قرار گرفته شده است و دارای آثار زیادی است:

الف. متنی است در برداشتن مجازاتهای بدون دلیل از افرادی که در ایجاد جنایت و تلف دخالتی نداشته‌اند؛

ب. بیانگر حاکمیت عقل و استدلال در احکام قضایی اسلام است؛

پ. بیانگر اهمیت اسلام به حفظ اموال دیگران است که بدون دلیل آنها را تحت عنوان دیه، ارش و... از دست

ندهند؛

ت. بیانگر این است که اسلام در احکام قضایی بر سنت های جاهلی و آداب و رسوم بی پایه و اساس تکیه نمی کند؛

ج. بیانگر نوعی تدبیر و چاره اندیشی از سوی دین اسلام در برداشتن مجازات اشخاصی است که هیچ دخالتی در وقوع جنایت یا تلف نداشته اند؛

د. بیانگر اهمیت دادن به دیدگاه عرف در تطبیق موضوعات غیر شرعی در احکام اسلام است.

ج. پیشینه تحقیق

از این قاعده تحت عنوان مضیقی که تنها به عدم ضمان جنایات حیوان حکم می کند و با عنوان قاعده (جنایة العجماء جبار) در برخی از کتب قواعد فقه اهل سنت، بحث شده است؛ مانند:

۱. موسوعة القواعد الفقهية

۲. القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الاربعة

همچنین برخی کتب فقهی مانند:

۱. مجلة الاحكام العدلية

۲. الموسوعة الفقهية الكويتية

۳. نظرية الضمان

همچنین در مقالاتی با عنوان:

۱. المسؤولية عن الحيوان في فقه الاسلامي

۲. عدم ضمان السائق فی حوادث السیر من خلال تطبیقات المعاصرة لقاعدة جناية العجماء جبار

همچنین در کتب قواعد فقه شیعی نیز مانند کتاب القواعد الفقهیه فی فقه الإمامیه به تبیین قاعده جبار از منظر فقه امامیه پرداخته شده است و در کتاب القواعد الفقهیه، سید محمد شیرازی از قاعده ای به نام (البئر جبار والعجماء جبار و المعدن جبار) نام برده است، بدون اینکه هیچ گونه توضیح و یا تفریعی درباره آن بدهد.

د. نوآوری تحقیق

امتیاز این تحقیق نسبت به سایر تحقیقات در این است که:

اولاً: اولین تحقیق جامع درباره قاعده جبار در قواعد فقه فریقین است؛

ثانیاً: جزء اولین تحقیقات جامع درباره قاعده جبار در قواعد فقه امامیه است؛

ثالثاً: سعی شده با اتکا بر منابع معتبر روایی و مصادیق مرتبط با این موضوع و پیراستن از مطالب غیر مرتبط،

مبانی و مصادیق صحیحی از این قاعده ارائه شود؛

رابعاً: سعی شده در حد ممکن مطالب منسجم و مرتبط باشد و بهم پیوستگی آنها حفظ شود.

ر. سؤالات اصلی

۱. مصادیق قاعده جبار در فقه فریقین کدام ها هستند؟

۲. مبانی قاعده جبار در فقه فریقین کدام ها هستند؟

ز. سؤالات فرعی

۱. گستره قاعده جبار کجاست؟

۲. حل تعارض مبانی این قاعده چگونه است؟

ن. فرضیه ها و روش تحقیق

۱. به طوری کلی مصادیق قاعده جبار در فقه فریقین در میان جنایت و تلف اشیائی است که شخصی می بایست بر آن شیء مسلط باشد ولی فعلا مسلط نیست یا مسلط است ولی به خاطر عدم تعدی صاحب اختیار شیء جنایت یا تلف به او استناد داده نمی شود؛ بلکه به خود شیء استناد داده می شود؛

۲. مبانی قاعده جبار روایاتی هستند که یا در بین منابع معتبر روایی فریقین و یا فقط در منابع حدیثی روایی امامی مشهوراند؛

۳. گستره قاعده جبار به موارد مذکور در حدیث نبوی محدود نمی شود و برداشت فقیهان و شارحان حدیث نیز این است که جنایت و تلف تمامی اشیا حتی اشیای نوظهور را نیز در بر می گیرد؛

۴. روایات معارض با حدیث جبار یارای مقابله با آن را ندارند.

روش تحقیق به صورت توصیفی، تحلیلی، گردآوری و کتابخانه ای است.

و. ساختار تحقیق

این نوشتار در سه بخش اصلی تنظیم شده است؛

بخش اول: مفهوم شناسی و کلیات

در این بخش، مفاهیم و کلیات هر یک از قاعده فقهی جنایة العجماء جبار و قاعده جبار به صورت جداگانه در دو فصل تبیین شده است؛ هر چند که برخی مفاهیم و کلیات مطرح شده برای هر یک از این دو قاعده بین هر

دو مشترک است؛ ولی با تفکیک مطالب هر از دو قاعده از دیگری، دسته بندی مطالب این بخش انسجام بیشتری پیدا می کنند و به درک صحیح از مطالب بیشتر کمک می شود.

بخش دوم: مبانی قاعده جبار در فقه فریقین

این بخش به دو فصل تقسیم شده است:

فصل اول: در این فصل به بررسی سندی و همچنین میزان دلالت روایاتی که مدرک قاعده جبار شناخته می شوند بر قاعده جبار، پرداخته شده است که مهم ترین آنها روایت نبوی مشهور است و از طریق الغاء خصوصیت در موارد روایات از مجموع آنها قاعده جبار اصطیاد می شود؛

فصل دوم: بعد از مطرح کردن تعارض بین روایات، راه های رفع آن بیان شده است.

بخش سوم: مصادیق قاعده جبار در فقه فریقین

در این بخش، مصادیق و تطبیقات این قاعده در فقه فریقین حتی برخی از فرقی که از آنان تنها آثار و کتبشان

باقی مانده است؛ یعنی ظاهریه تبیین شده است و به دو فصل:

فصل اول: مصادیقی که صاحب شیء بر آن مسلط نیست؛

فصل دوم: مصادیقی که صاحب شیء بر آن مسلط است تقسیم شده است و دیدگاه فقیهان مذاهب درباره

هر کدام به تفصیل مطرح شده است.

بخش اول: مفهوم شناسی و کلیات

فصل اول: مفهوم شناسی و کلیات قاعده جناية العجماء جبار

فصل دوم: مفهوم شناسی و کلیات قاعده جبار

در رابطه جنایت و تلف اشیا در فقه اهل سنت قاعده جنایة العجماء جبار^۴ و در فقه شیعه قاعده جبار^۵ وجود دارد و از آنجا که بیشتر از قاعده جنایة العجماء جبار بحث شده است و بحث از آن نسبت به بحث از قاعده جبار تقدم زمانی دارد، لازم است برای واضح شدن مفاهیم و کلیات این قاعده ابتدا از مفاهیم و مباحث کلی آن بحث شود، سپس به توضیح مفاهیم و کلیات قاعده جبار پرداخته شود؛

فصل اول: مفهوم شناسی و کلیات قاعده جنایة العجماء جبار

مبحث اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی قاعده

گفتار اول: مفهوم لغوی قاعده

قاعده در لغت مفرد قواعد است که به معنای پایه و شالوده یک شیء است و قواعد خانه را پایه‌های آن گویند و در آیات شریفه (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ قَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ)^۶، (فَأَتَى اللَّهَ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ)^۷ نیز قواعد به همین معنی اراده شده است؛^۸ فراهیدی قواعد را اساس و پایه خانه معنی کرده است؛^۹ زجاج قواعد را ستون‌های خانه معرفی می‌کند که بنیان خانه بر روی آنها قرار می‌گیرند و قواعد هودج را چارچوب به کار رفته در کف آن معرفی می‌کند که چوب‌های هودج بر روی آن قرار می‌گیرند، ابو عبید قواعد ابرها را پایه‌های گسترش یافته آنها در آسمان که شبها به پایه‌های خانه دارند، معنی می‌کند؛^{۱۰} خلاصه این که همان‌گونه که از بین رفتن پایه‌های

۴. مجلة الاحكام العدليه، م ۹۴؛ زحیلی، محمد مصطفی، القواعد الفقیة، ج ۱، ص ۵۷۰؛ آل بورنو، محمد صدقی، موسوعة القواعد الفقیهه، ج ۳، ص ۲۱؛ زحیلی، وهبة، نظرية الضمان، ص ۱۹۶.

۵. زارعی سیزواری، عباسعلی، القواعد الفقیهه، ج ۲، ص ۳۸۰.

۶. بقره (۲)، آیه ۱۲۷.

۷. نحل (۱۶)، آیه ۲۶.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۶۱.

۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۱، ص ۱۴۴.

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۶۲.

خانه موجب خراب شدن آن و همچنین کهنه شدن اساس دین موجب کهنه شدن تمامی آن می‌شود، انتفا قواعد کلی در علم نیز موجب انتفا کل علم می‌شود و اساس مادی و یا معنوی شیء بدین صورت که نبود آن موجب نبود و اضمحلال آن شیء می‌شود را قاعده گویند.^{۱۱}

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی قاعده

قاعده در اصطلاح مترادف اصل، ضابطه و قانون است و بر امر کلی ای که بر جزئیاتش انطباق داده می‌شود، اطلاق می‌گردد؛^{۱۲} تهانوی می‌نویسد قاعده بر معانی مترادف اصل، قانون، مسأله، ضابطه و مقصد اطلاق می‌گردد و به معنای امر کلی مُنطَبَق بر جمیع جزئیاتش است که احکام آنان توسط همان امر کلی شناخته می‌شود^{۱۳} و بر همین اساس است که بر کلیات علم صرف قواعد صرف و بر کلیات علم نحو نیز قواعد نحو اطلاق می‌گردد.^{۱۴}

۱۱. فاضل لنکرانی، محمدجواد، القواعد الفقهية (مقدمه)، ص ۸.

۱۲. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۲۹.

۱۳. تهانوی، محمد بن علی، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۲، ص ۱۲۹۵.

۱۴. زارعی سبزواری، عباسعلی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۰.